

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بررسی کمی و کیفی علم آموزی زنان در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران

فاطمه نجاری^۱

چکیده

امروز اهمیت و ضرورت علم آموزی بر کسی پوشیده نیست، به گونه ای که در دنیای کنونی، دیگر بحث از اهمیت علم آموزی و آموزش، آن هم برای همگان، چه زن و چه مرد، به قدری بدیهی و واضح است که دیگر نیازی به توجیح و اقامه دلیل برای آن نیست. به تبع همین موضوع، زنان نیز به عنوان نیمی از بدنه جامعه حق دارند که از حقوق آموزشی و علمی در جامعه بهره مند شوند. اما نکته قابل تأمل در این میان آن است که بها دادن به علم آموزی زنان و رشد علمی آنها در بیشتر جوامع کنونی از جمله جامعه ما، بیشتر جنبه‌ی کمی داشته و به جنبه‌های کیفی آن، آنطور که باید و شاید اعتنایی نشده است و لذا تغییرات صورت گرفته عمدتاً تغییراتی ظاهری بوده است و تغییر جنبه‌های کیفی و باطنی علم آموزی زنان یا اصلاً بیان نشده یا آنکه فقط در حد گفتار باقی مانده است. بدین منظور نوشتار پیش رو بر آن است تا به بررسی وضعیت علمی زنان در دو محور، نمای ظاهری (کمی) علمی - آموزشی زنان پس از انقلاب اسلامی ایران و نمای باطنی (کیفی) علمی - آموزشی زنان پس از انقلاب اسلامی ایران بپردازد. برای بررسی محور نخست، به ارائه آمارهای رسمی در غالب نمودارهای آماری در زمینه پذیرش افراد در کرسی‌های دانشجویی و استادی به تفکیک جنس پرداخته شده است و برای بررسی محور دوم، به بحث حول سه محور محتوا، روش‌ها و اهداف و ثمرات علمی - آموزشی زنان پرداخته شده است.

پرداختن به محور دوم از آنجا ضروری است که برای آن که بتوان جایگاهی متعالی، پویا و پربازده برای زنان در زمینه‌های علمی متصور شد، می‌بایست علاوه بر توجه به مسائل کمی مربوط به وضعیت علمی زنان به بررسی و پی‌گیری مسائل کیفی آنان نیز بپردازیم؛ تا بتوانیم به ارائه‌ی الگویی مناسب برای پیاده‌سازی مبانی معرفتی و علمی خود دست یابیم. ارائه و پیگیری این الگو به مسولین و زنان جامعه کمک خواهد کرد که در کشاکش پیمایش مسیر، از اهداف و برنامه‌های خویش منحرف نشوند و راه را گم نکنند چرا که به فرموده مقام معظم رهبری بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد،

«همچنان که در طول این سی سال به حرکت هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم.» (آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۸۹/۹/۱۰). در واقع سعی بر آن است تا با بررسی تاریخی رشد علمی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

زنان در طی این سی و شش سال پس از انقلاب و کشف ایرادات و اشکالات موجود، بتوانیم گامی در جهت ایجاد نظام مطلوب علمی زنان برداریم.

کلیدواژه: تحصیل زنان، رشد علمی، محتوا، روش ها و اهداف علم آموزی زنان، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

مقدمه و بیان مسئله:

در بیان مقام و ارزش علم آموزی همین بس که خداوند، خود نخستین معلم است. به گونه ای که می فرماید:

«عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت. (علق، ۵)

به گواهی تاریخ، تقریباً در طول همه ی ادوار تاریخی، انسان ها برای علم آموزی و ثبت علمی که به دست آورده بودند، ارزش بسیاری قائل می شدند به گونه ای که به مرور زمان، ملت هایی طلایه دار تمدن های عظیم و با شکوه بودند که شاخصه علم و علم آموزی در میان آن ها جزء شاخصه های مهم زندگی بوده است. در ملل متمدن، توجه به تولید علم و آموختن علوم موجود به نسل های بعدی نیز، سبب ادامه و امتداد یافتن این تمدن ها بوده است. یکی از نکاتی که معمولاً موجب تخریب نظام های علمی ملل شده است؛ وجود تبعیض هایی بوده که در نظام علمی آن جوامع حاکم بوده است، از جمله ی این تبعیض ها می توان به تبعیض طبقاتی، تبعیض های نژادی و تبعیض های جنسیتی اشاره کرد.

یکی از مهمترین تبعیضات موجود، که از گذشته های دور تا کنون تقریباً در اکثر ملل ساری و جاری بوده است، تبعیضی بوده که میان علم آموزی دختران و پسران وجود داشته است. دلیل وجود این تبعیض، اغلب به دلیل دید منفی و محقری است که در مورد زنان وجود داشته است به گونه ای که، تا چندی پیش حتی در کشور های اروپایی که امروزه، مدعی برابری میان زن و مرد هستند، شاهد طرد زنان از مجامع علمی هستیم. علم آموزی برای زنان گاه چنان مطرود بوده که حتی اینگونه به زنان القا می کردند که آنان لیاقت علم آموزی را ندارند و این امر تا بدان آنجا پیش می رفته که خود زنان نیز علم آموزی خودشان را امری نابهنجار می دانستند و «درس خواندن زن نوعی رسوایی محسوب می شد که قبل از مردان خود زنان از آن متنفر بودند و زمانی که الیزابت بلاکویل_اولین پزشک زن در جهان_ در سال ۱۸۴۹ در دانشگاه ژنو مشغول تحصیل بود، زنانی که او را می شناختند با او قطع ارتباط کرده و از هم صحبتی با او سر باز زدند و برای تحقیرش هنگام برخورد در راه رفت و آمدش چنان از او کناره می گرفتند که گویی از نجاستی کناره می گیرند.» (المحاص، محمد کامل حسن ۱۹۹۲ م: ۱۳)؛ البته لازم به ذکر است که شرایط برای علم آموزی زنان همه جا بدین گونه نبوده است به گونه ای که در تعالیم زرتشت، ایزد چیستی که گاهی در اوستا به شکل الاهی زن- که موکل علم و دانش است- نمایانگر می شود، خود مبین رسالت زنان در تولید علم و علم آموزی به ویژه در حوزه تربیت اطفال است. ایزد چیستا از اهورامزدا نقش اصلاح کننده و تعلیم دهنده را برای مادران اخذ کرده است. از این

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

روی، مادر بهترین تعلیم دهنده در دین زرتشت به شمار می آید. و از همان سال‌های اولیه زندگی کودکان، تعلیم و تربیت او را آغاز می‌کرد. به این طریق مادران با تربیت فرزندان خود روشنایی بخش دل و جان می‌شدند و در صورت نبودن مادر، خواهر یا عمه وظیفه تعلیم را به عهده می‌گرفتند. (حکمت، ۱۳۵۰: ۳۷۱)

در سایر ادیان الهی نیز توجه به علم آموزی به چشم می‌خورد ولی بی شک هیچ دینی به اندازه اسلام در این زمینه یکه تاز میدان نبوده است به گونه ای که همه ی مسلمین اعم از زن و مرد را به علم آموزی فرا می‌خواند. یکی از روشن ترین مواضع اسلام، جانب داری اصولی از علم آموزی، توسعه آموزشی و گسترش دانش افزایی در بین زنان است. با یک نگاه کلی به نظام معارف الهی اسلام، به خوبی در می‌یابیم که جانب داری ها و دفاعیات اسلام از تحصیلات و آموزش زنان در مقایسه با سایر مکاتب فکری، فلسفی و دینی جهان بی نظیر است. «در دین اسلام اگر چه تفاوت‌هایی بین حقوق و تکالیف زن و مرد دیده می‌شود، اما هرگز این تفاوتها، جایگاه انسانی زن را از مرد پایین تر نمی‌آورد و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام، مساوات انسانی را بین زن و مرد رعایت کرده است» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۱۵: ۱۳۵۳).

از آنجا که حق آموزش و تحصیل، از حقوق طبیعی و فطری انسانی محسوب شده و هیچ ارتباطی با زنانگی و مردانگی ندارد، اسلام نیز با نگرش متین و متقن برای حق تحصیل و آموزش زن و مرد ارزش بسیار ویژه ای قائل شده است.

البته امروزه پس از سالیان متمادی، اهمیت آموزش در تمامی سطوح، برای همگان، اعم از زنان و مردان به اثبات رسیده است به گونه ای که در دنیای کنونی دیگر بحث از اهمیت علم آموزی و آموزش، آن هم برای همگان، به قدری بدیهی و واضح است که دیگر نیازی به توجیح و اقامه دلیل برای آن، نیست. در واقع ضرورت علم آموزی برای همگان_ چه زن و چه مرد_ جزء مشترکات دنیای مدرنیته و دستورات اسلام است اما مسئله ی قابل تامل در این زمینه آن است که اولاً وضعیت موجود زنان ایرانی در نظام آموزش تخصصی در ایران چگونه است؟ و ثانياً آیا تنها با اتکا به اشتراک در ضرورت علم آموزی میان نظام اسلامی ما با جهان غرب می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که ساختار علمی و آموزشی ما نیز می‌بایست دقیقاً شبیه ساختار علمی و آموزشی غرب باشد؟ در واقع آیا بین زنان و مردان، محتوا، اهداف، ثمرات و نحوه آموزش های علمی، باید یکسان باشد یا خیر؟

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پیشینه موضوع

۱- نقش تحصیل زنان در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی ایرانی از حمید ملک مکان و راضیه علی اکبری است (۱۳۹۱). در این مقاله به اهمیت علم‌آموزی زنان در اسلام اشاره شده همچنین این مهم در جامعه کنونی ما آسیب‌شناسی شده و سپس به ارائه راهکارهایی برای رفع یا کاهش این آسیب‌ها پرداخته شده است.

۲- زن در اسلام جلد اول از فریبا علاسوند (۱۳۹۰)؛ بخش محدودی از این کتاب به تعلیم و تربیت در حوزه زنان می‌پردازد به گونه‌ای که تربیت را جنبه‌ی غیر رسمی آموزش و تعلیم را جنبه رسمی آموزش تلقی می‌کند.

۳- نگاه اسلام به آموزش و تحصیل زنان؛ (روی کردی تطبیقی به خاستگاه‌های فلسفی مسائل اجتماعی زنان در اسلام و فمینیسم) از مهدیه سادات مستقیم (۱۳۸۸): در این مقاله به تفاوت‌هایی محتوایی، مسیری و هدفی علم‌آموزی بین زنان و مردان در اسلام با توجه به حقوق و مسولیت‌هایشان، اشاره شده است. در واقع این مقاله به گونه‌ای به آسیب‌شناسی فضای نظام علمی زنان پرداخته است.

۴- طراحی مدل مفهومی نظام علمی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری از هادی خان احمدی. در این مقاله دو نکته حائز اهمیت است اول آنکه اینجا در واقع نظام معادل همان الگوی مورد نظر ماست ثانیاً این نظام علمی تدوین شده بر مبنای گفتارهای عمیق و دور اندیشانه مقام معظم رهبری است ولی در این مقاله اشاره‌ای به جنسیت ارکان اساسی یعنی متعلم و متعلم توجیهی نشده است.

۵- اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهاد‌های اجتماعی از حسین بستان (۱۳۹۰). در این کتاب از نهاد‌های آموزشی به عنوان یکی از نهاد‌هایی که تفاوت‌های جنسیتی در آن تاثیر گذار است یاد شده است و به بیان نظر اسلام را در این رابطه می‌پردازد.

۶- جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی از محمد رضا زیبایی نژاد. در این کتاب صراحتاً به ایجاد نظام آموزشی بر مبنای جنسیت اشاره می‌شود.

روش پژوهش

در نوشتار پیش رو، ابتدا با استفاده از آمارهای رسمی ارائه شده توسط دانشگاه‌ها و موسسات مربوطه با بهره‌گیری از روش‌های آماری و نرم‌افزار SPSS به بررسی روند علمی آموزش زنان ایرانی در طی آموزش تخصصی پس از انقلاب اسلامی می‌پردازیم و سپس با استفاده از روش تحلیلی منطقی به بررسی این سوال خواهد پرداخت که آیا تنها با اتکا به اشتراک در ضرورت علم‌آموزی میان نظام اسلامی ما با جهان غرب می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که ساختار علمی و آموزشی ما نیز می‌بایست دقیقاً شبیه ساختار علمی و آموزشی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

غرب باشد؟ در واقع آیا بین زنان و مردان، محتوا، اهداف، ثمرات و نحوه آموزش های علمی، باید یکسان باشد یا خیر؟

محور اول

بررسی نمای ظاهری (کمی) علمی - آموزشی زنان، پس از انقلاب اسلامی ایران

تحولات نظام آموزشی به خصوص نظام آموزش تخصصی پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، در ایران بسیار زیاد بوده است. به جرات می توان گفت دلیل اصلی این تحولات بسیار، تفاوت های ظاهری و باطنی فاحشی بود، که دانشگاه های آن زمان با مبانی صریح اسلامی و انقلابی داشت. در آن زمان اکثریت دانشجویان و مسولان فرهنگی معتقد بودند که رشته های علوم انسانی از فرهنگ غربی تأثیر پذیرفته اند و برای پاکسازی و اسلامی سازی آن، موضوع های مورد بحث در این رشته ها و ابزارها و روش های تحقیقی این رشته ها باید اصلاح شود و از آنجا که عدم این توجهات موجب آثار مخربی در دانشگاه و کل جامعه می شد رفع و پاک سازی این موارد جزء دستور کار مسولان وقت قرار گرفت. یکی از ارکان اساسی که در این مقوله باید مورد توجه قرار می گرفت جایگاه و مکان هندسی زنان در نظام واره آموزشی از منظر اسلام است. اسلام در ارزش گذاری نامحدود برای تحصیل علم قید جنسیت را با احادیثی من جمله «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (الحیاء، ج ۱: ۷۰) از میان برداشته است. همچنین با وجود نمونه هایی در طول تاریخ اسلام به وضوح در میابیم که طلب علم برای زنان نه تنها مورد سرزنش قرار نمی گرفته بلکه به صورت موکد به آن امر می شده است به گونه ای که «به شهادت تاریخ، یکسال از مدت اقامت حضرت علی (ع) و خانواده اش در کوفه می گذشت که گروهی از بانوان خردمند و بزرگوار کوفه به محضر ایشان پیغام فرستادند که ما شنیده ایم حضرت زینب (س) نیز مانند مادر بزرگوار خود، حضرت فاطمه (س) دارای قدرت، علم و دانش فراوانی است و اگر اجازه بدهید برای بهره برداری از خرمن دانش او به حضورش برسیم. علی (ع) نیز با این درخواست موافقت فرمود و زنان کوفه در محفل درس و تفسیر قرآن حضرت زینب (س) شرکت جستند» (ریاحین الشریعه، ج ۳، : ۷۵). در کل می توان اذعان کرد که در اسلام اهمیت علم آموزی برای زنان و مردان به یک اندازه است و به دلیل همین نظر قاطع اسلام است که بزرگانی چون معمار کبیر انقلاب اسلامی درباره تعلیم و تربیت زنان نظر ویژه ای داشتند و آن را جزء ثمرات انقلاب اسلامی دانسته و در این باره می فرمایند: «تعلیم و تربیت و تبلیغ بانوان، امری است که در انقلاب تحقق یافت، و گرنه برای بانوان هیچ حقی قایل نبودند که حتی در مجمعی ده نفره وارد شوند و مسأله علمی یا عقیدتی بگویند، ولی اکنون با حفظ موازین اسلامی می توانند در همه جای کشور و خارج از آن تبلیغ کنند.» (موسوی الخمینی، آیت الله العظمی روح الله، صحیفه نور، ۱۸). در ادامه همین خط مشی است که مقام معظم رهبری، تحصیل معرفت و سواد را، جز یکی از دو ابزار رسیدن زنان جامعه ی اسلامی ایرانی، به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اقتدار می‌دانند و در این رابطه می‌فرمایند: «چون زن به طور متوسط، از لحاظ ترکیب جسمانی، به قوت مرد نیست، موجب شده است که این زورها گفته بشود، باید با معرفت و سواد از یک سو و قانون از سوی دیگر، جبران کرد؛ یعنی باید ابزارهای اقتدار را در اختیار زن گذاشت. این ابزارها از طرفی معرفت و سواد است که مانع از آن می‌شود که زن مورد ستم قرار بگیرد؛ از طرف دیگر قانون است. اگر این دو مورد تامین شود، خوب است. زن‌ها را وادار کنید به درس خواندن، دخترها را به تحصیلات عالی وادار کنید. وسیله ورود دخترها در مراکز عالی را از طرق قانونی فراهم و تسهیل کنید. اگر این‌ها شد، به نظر من همه چیز انجام گرفته است» (خامنه‌ای، آیت‌الله العظمی سید علی، ۷۶/۴/۳۰).

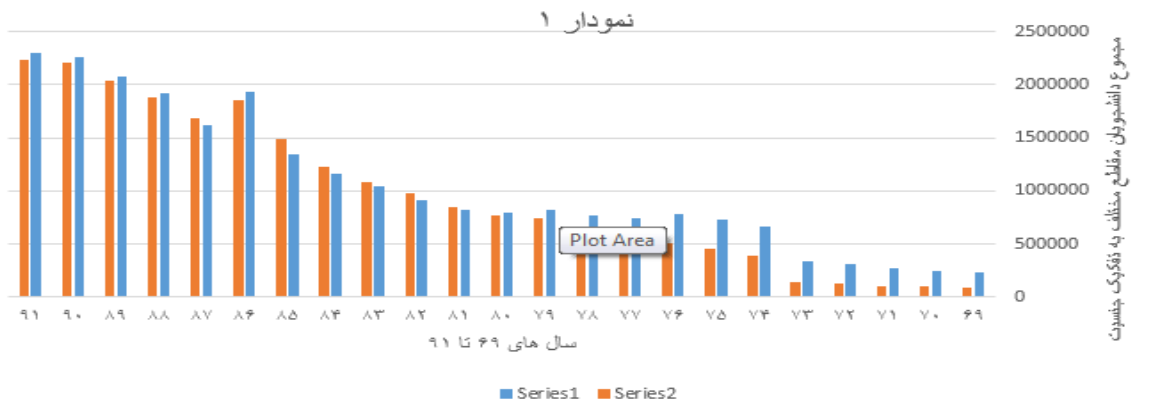
همین نگاه متقن، زمینه پیشرفت هر چه بیشتر زنان را پس از انقلاب اسلامی فراهم کرد به گونه‌ای که طی گذر سال‌ها پس از انقلاب شاهد افزایش پذیرش دانشجویان دختر به دانشگاه‌ها بوده ایم به گونه‌ای که درصد پذیرفته شدگان زن در دوره کارشناسی در سال ۶۹ از ۲۷٪ به ۶۲٪ در سال ۹۰ افزایش یافته است. (نیکفام، کیانا، ۲۷: ۱۳۹۰). البته باید یاد آور شد که این افزایش عمدتاً در دوره کارشناسی این چنین زیاد بوده است ولی در مقاطع بالاتر همچنان درصد مردان از زنان بیشتر می‌باشد. در زمینه پذیرش اساتید زن نیز، شاهد آن بوده ایم که حضور زنان در کرسی‌های استادی افزایش یافته است، گرچه سرعت رشد زنان در به دست آوردن کرسی‌های استادی، بسیار کمتر از سرعت رشد آن‌ها در به دست آوردن کرسی‌های دانشجویی توسط بوده است، ولی باید این نکته را نیز، در نظر داشت که، دلیل سرعت رشد کمتر زنان در مقوله استادی، به عوامل متعدد بیشتری وابسته است به گونه‌ای که حتی با تسهیل شرایط برای پذیرش زنان به عنوان استاد، باز هم نمی‌توان انتظار زیادی به منظور افزایش زنان در کسب کرسی‌های استادی داشت. گرچه از توجه به سایر کشورها، می‌توان دریافت که، در این زمینه، زنان کشور ما، در موقعیت بهتری نسبت به سایر زنان در بعضی کشورها دارند برای نمونه میزان اساتید زن در آلمان در حداکثر حالت خود حدوداً ۵/۸٪ بوده است و این در حالی است که میزان اساتید زن در ایران، در سال ۸۸ به رقم ۲۱٪ رسیده است.

الف) میزان دانشجویان به تفکیک جنس

میزان پذیرش زنان به عنوان دانشجو در دانشگاه‌های سراسر کشور - در همه‌ی مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری - در قیاس با مردان دانشجو طی سال‌های ۶۹ تا ۹۱ در نمودار زیر نمایش داده شده است.

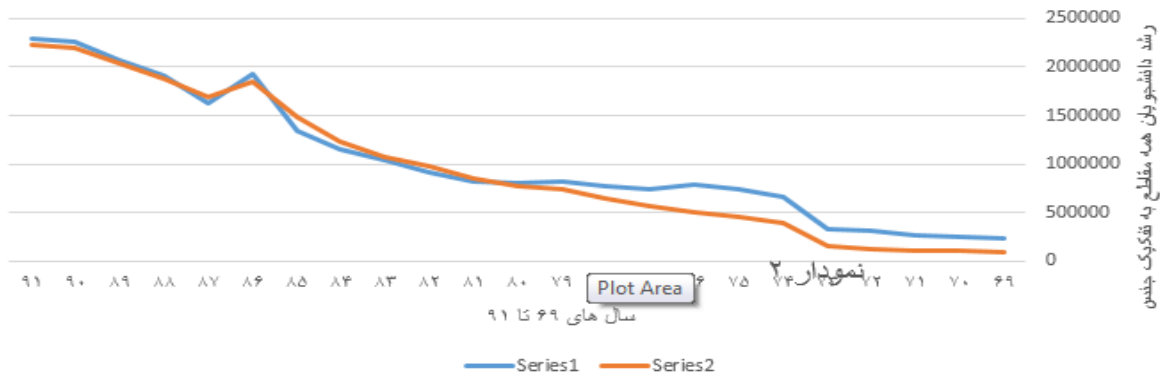
پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴



نمودار فوق حاکی از آن است که ، طی سال ۶۹ تا سال ۷۹ میزان پذیرش دانشجویان زن، به مراتب از دانشجویان مرد کمتر بوده است. قبل از سال ۶۹ نیز، تعداد دانشجویان مرد بسیار بیشتر از دانشجویان زن بوده است اما به دلیل عدم دسترسی دقیق به این آمارها از ذکر آن خودداری شده است. ولی طی سال های ۸۱ تا ۸۵ پیشتازی در ورود به دانشگاه ها از آن زنان بوده است . از سال ۸۶ تا سال ۹۱ میزان ورود به دانشگاه ها سالانه با تفاوت بسیار اندکی گاه به زنان و گاه به مردان تعلق گرفته است. به نظر می رسد پیشتازی مجدد مردان طی سال های ۸۸ به بعد به دلیل افزایش پذیرش در دوره های تحصیلات تکمیلی از سوی دانشگاه ها بوده است که به دلایل مختلف بیشتر مورد توجه مردان قرار گرفته و در مجموع موجب افزایش میزان قبولی مردان شده است ولی با این وجود، از سال ۷۷ به بعد، این دختران بوده اند که همواره در ورود به دوره های کارشناسی پیشتاز بوده اند.

نمودار ۲

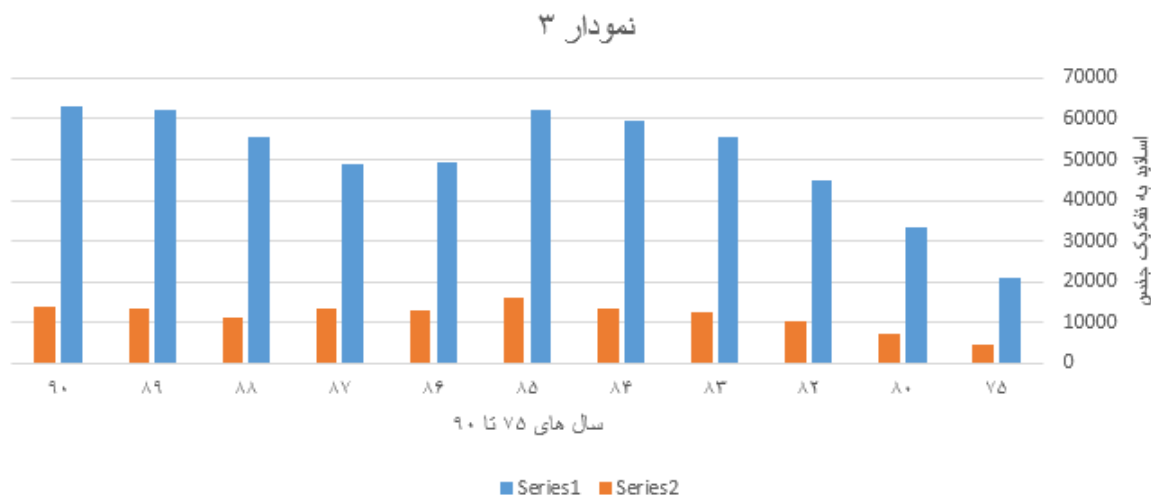


پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

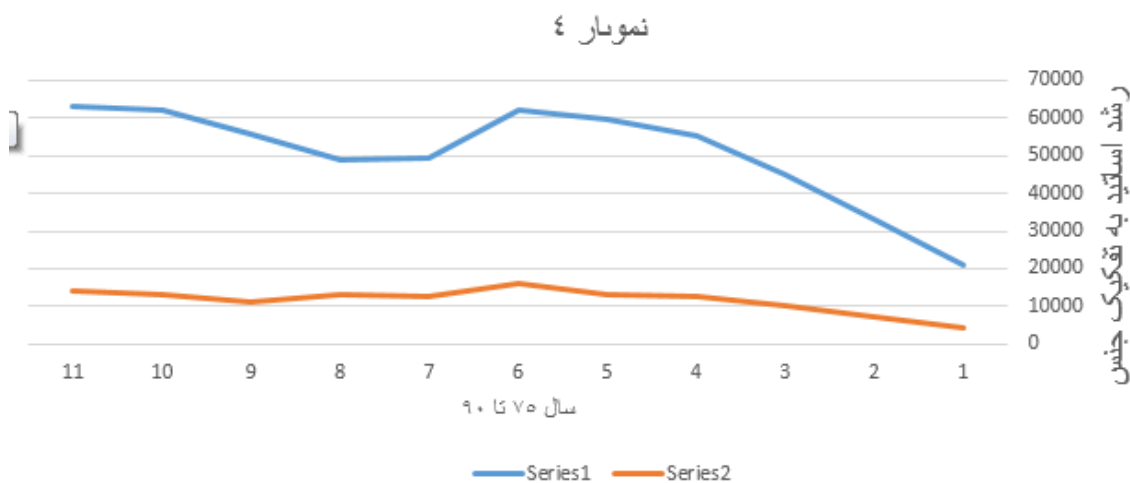
سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

(ب) میزان اساتید به تفکیک جنس

میزان پذیرش زنان به عنوان استاد در دانشگاه های سراسر کشور در قیاس با مردان نیز طی سال های ۷۵ تا ۹۰ به صورت زیر بوده است.



نمودار فوق حاکی از آن است که طی سال های گذشته همواره نسبت اساتید زن به اساتید مرد کمتر بوده است اما میزان پذیرش اساتید زن تا سال ۸۵ روند افزایشی داشته ولی از سال ۸۶ به بعد این میزان کمی کاهش یافته است ، گرچه باید به این نکته توجه داشت که از سال ۸۶ به بعد میزان پذیرش اساتید مرد نیز کاهش یافته است و در واقع نسبت تعداد اساتید زن به مرد طی این سال ها تقریباً ثابت بوده است.



پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

برخی با توجه به افزایش روز افزون دانشجویان زن در طول سال های اخیر و در مقابل ثابت ماندن میزان اساتید زن در طی این سال ها، این عدم توازن را به عنوان نوعی تبعیض برشمرده و آن را مورد سرزنش قرار می دهند این افراد با توجه به علل مختلف این تفاوت را بررسی می کنند . این علل خود در دو محور بیان می شود . در ادامه به بررسی این نظرات خواهیم پرداخت .

اولا: پر تعدادی دانشجویان زن

الف) حس تعلق تحصیلی زیاد به تحصیل بین دانشجویان زن: زنان نسبت به مردان، رغبت بیشتری برای بدست آورد علم دارند برای اثبات این مدعا تحقیقات زیادی انجام شده است «تحصیل برای دختران فقط تنها ارزش آموزشی و حرفه ای ندارد بلکه حاوی ارزش مهم اجتماعی است دختران برای جنبه های عینی و نمادین اجتماعی آموزش، اهمیت بسیار قائلند.» (لشکری، محمد، زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال، ۳: ۱۳۸۵)

ب) واکنشی بودن انگیزه تحصیل برای زنان : «تحصیل برای زنان، خود آگاه یا ناخودآگاه ، واکنش و مقاومتی است در برابر جامعه مرد سالار.» (لشکری ، ۴: ۱۳۸۵).

ج) تاثیر علم آموزی زنان بر خانواده: لذا سرمایه گذاری در امر آموزش دختران و زنان سرمایه گذاری مفید و حتی مهم تر از سرمایه گذاری در امر مردان است زیرا آموزش یک زن برابرآموزش یک خانواده می باشد (غیائی، ۱۳۷۹

د) انگیزه کسب حرفه : کسب شغل در آینده نیز یکی از دلایل زنان برای ورود به دانشگاه ها است گرچه در جامعه ما «به سبب محدود بودن بازار کار برای زنان، بسیاری از دختران به این جنبه ، در میان انگیزه های خود، اهمیت درجه اول نمی دهند» (لشکری، ۴: ۱۳۸۵) . لازم به یاد آوری است، که با گذر زمان جایگاه این انگیزه نیز بین زنان افزایش یافته است به همین دلیل است که امروزه بر خلاف گذشته زنان زنان اقبال بسیار بیشتری به رشته های فنی و مهندسی نشان می دهند.

ثانیا : کم تعدادی اساتید زن

الف) عدم قانون گذاری صحیح و توجه لازم از سوی دولتمردان : این افراد عمدتا سر پیکان اتهام را در این زمینه به سوی دولتمردان و قوانین گرفته و آن ها را به دلیل عدم ایجاد امکانات رفاهی برای زنان به منظور تسهیل ورود آن ها به بازار کار مقصر می دانند . به هر تقدیر اگر بخواهیم بی طرفانه به این قضیه بپردازیم خواهیم دید که اگرچه قانون گذاری صحیح از سوی دولتمردان در این زمینه تاثیر گذار است اما کم کاری های موجود در زمینه قانون گذاری تنها دلیل تاثیر گذار برای رسیدن زنان به کرسی های استادی نیست؛ چه اینکه بر اساس آیین نامه اداری استخدامی اعضای هیئت علمی در دانشگاه ها هیچ گونه محدودیتی برای پذیرش اساتید بر حسب جنسیت وجود ندارد و از طرفی در کشور های پیشرفته و صنعتی نظیر آلمان نیز با و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جود ایجاد قوانین یکسان برای افراد و امکانات رفاهی برای زنان به منظور تسهیل ورود آن‌ها به بازار کار زنان معمولاً در شغل‌های رده پایین باقی ماند و درصد بسیار کمی از آن‌ها به مشاغل رده بالا همچون کرسی استادی دست می‌یابند به گونه‌ای که «در میان اساتید دانشگاه‌های آلمان تنها ۷ / ۵ درصد به جامعه زنان تعلق دارند» (پلنگی، مجله پیام زن، ۱۳۸۰:۲۸)

ب) **عدم وجود فرهنگ صحیح، که به دوری از جنسیت محوری بی‌تجامد (وجود "سقف شیشه‌ای"):** برخی دیگر علت این نابرابری، در عرصه دست‌یابی به کرسی استادی توسط زنان را، وجود سقف شیشه‌ای می‌دانند. «این اصطلاح در سال ۱۹۹۰ برای اشاره به تعداد اندک زنان و اقلیتها در اداره سازمانهای بخش دولتی و خصوصی به کار رفت. گاهی نیز برای اشاره به شکاف عمیق دستمزد در سطوح بالای توزیع درآمدها به کار رفته است. به این معنا که کارکنان زن در گروههای بالای درامدی، در مقایسه با هم‌ردیفان مرد خود دریافتی کمتری دارند. سقف شیشه‌ای بیان می‌کند که زنان و اقلیتها در دستیابی به سطوح بالای سلسله مراتب شکست می‌خورند. آنها به پستهای عالی در سازمان نزدیک می‌شوند، اما بندرت آن‌ها را به چنگ می‌آورند. این سرخوردگی باعث می‌شود که تصور کنند یک سقف شیشه‌ای وجود دارد، یعنی موانعی تبعیض آمیز، در راه تلاش خود برای دستیابی به سطوح عالی مدیریتی در سازمانها، مشاهده می‌کنند» (دامغانیان و نوروززاده ثانی، ۱۳۸۹:۲)

هر چند وجود این سقف شیشه‌ای بر سر راه زنان را نمی‌توان انکار کرد اما باید در نظر داشت که این سقف را فرهنگ عمومی جامعه می‌سازد و برای رفع آن، فرهنگ سازی، آن هم به صورت طویل‌المدت باید صورت گیرد، همچنین باید توجه داشت که "سقف شیشه‌ای" تنها عامل موجود برای وجود شکاف و فاصله بین تعداد اساتید زن و مرد در دانشگاه‌های ایران نیست، از طرفی از آنجا که مفهوم "سقف شیشه‌ای" هم برای عدم نابرابری زنان و مردان در دستیابی به سطوح بالای سلسله مراتبی در مشاغل استفاده می‌شود و هم برای اشاره به شکاف عمیق دستمزد در سطوح بالای توزیع درآمدها بین زنان و مردان، ذکر این نکته ضروری است که در ایران، اگرچه کرسی‌های استادی، به یک اندازه میان زنان و مردان تقسیم نشده است، اما دستمزد آن‌ها به هیچ عنوان وابسته به جنسیت آن‌ها نمی‌باشد و لذا عبارت "سقف شیشه‌ای" به مفهوم تفاوت دستمزدها در بین اساتید بر اساس جنسیت به هیچ عنوان در ایران وجود ندارد و این در حالی است که در اغلب کشور های غربی نظیر فرانسه شاهد تفاوت دستمزدها در همه رده‌های شغلی مثل استادی بین مردان و زنان هستیم به گونه‌ای که «در "کشور فرانسه" پاداش سالانه زنان شاغل بطور متوسط ۲۷ درصد کمتر از پاداش سالانه مردان است.» (فرهنگ نیوز)

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ج) وجود عوامل طبیعی متفاوت بین زنان و مردان: برخی این تفاوت در تعداد اساتید مرد و زن را به دلیل تفاوت های طبیعی زنان و مردان می دانند و عنوان می کنند که زنان به دلیل مسائلی چون ازدواج که به طبع آن خانه داری، بارداری و نگه داری از فرزندان را نیز به دنبال دارد، اغلب موجب ترک مشاغل من جمله کرسی های استادی می شود. در مورد این علت دو نکته حائز اهمیت است؛ اولاً از آنجا که دستیابی به کرسی استادی در دانشگاه ها، نیاز به تحصیلات عالی و عموماً مدرک دکتری نیازمند است و از طرفی زنان معمولاً در سنین دستیابی به این تحصیلات، تن به ازدواج می دهند، لذا آن ها معمولاً به تحصیلات عالی دست پیدا نمی کنند تا بخواهند به کرسی استادی هم دست یازند مگر آنکه یا پس از ازدواج به این تحصیلات دست یابند یا آنکه به ازدواج تن در ندهند یا حداقل اگر هم به ازدواج تن در دادند، زیر بار فرزند آوری نرفته و یا حتی حق سقط جنین را داشته باشند! ثانیاً این نکته باید مشخص شود که آیا این ترک تحصیل در مقاطع بالا و عالیه آیا امری اختیاری از سوی خود زنان است یا امری اجباری است که از طرف جامعه و فرهنگ عمومی بر آن ها غالب می شود؟ به عبارت دیگر، ارزش ذاتی کدام یک برای زنان مهم تر است؛ ازدواج و فرزند آوری یا کسب تحصیلات عالی و به تبع آن کسب کرسی های استادی در دانشگاه ها؟ در واقع نقطه آغاز کار فمینیست ها تقریباً از همین جا آغاز می شود زیرا آن ها معتقدند که؛ یکی از علت های عدم دست یابی زنان به تحصیلات عالی، فرهنگ عمومی و انتظارات جامعه از زنان است که به ازدواج و فرزندآوری پرداخته و اجباراً تحصیلات عالی را رها کنند.

با وجود تمامی موارد یاد شده باید عنوان کرد که اگرچه رشد علمی تحصیلی و دست یابی به کرسی های دانشجویی و حتی استادی توسط زنان در جامعه ما نسبتاً خوب و قابل قبول بوده است؛ اما باید اذعان کرد؛ که متأسفانه، این فقط نمای ظاهری این مسئله است. در واقع، بها دادن به علم آموزی زنان و رشد علمی آن ها بیشتر جنبه ی کمی داشته است و به جنبه های کیفی آن، آنطور که باید و شاید اعتنایی نشده است و لذا تغییرات صورت گرفته عمدتاً تغییراتی ظاهری بوده است و تغییر جنبه های کیفی و باطنی علم آموزی زنان یا اصلاً بیان نشده یا آنکه فقط در حد گفتار باقی مانده است.

بررسی نمای باطنی (کیفی) علمی - آموزشی زنان ، پس از انقلاب اسلامی ایران

همانگونه که اشاره شد بها دادن به علم آموزی زنان و رشد علمی آن ها بیشتر جنبه ی کمی داشته است و به جنبه های کیفی آن، آنطور که باید و شاید اعتنایی نشده است و لذا تغییرات صورت گرفته عمدتاً تغییراتی ظاهری بوده است و تغییر جنبه های کیفی و باطنی علم آموزی زنان یا اصلاً بیان نشده یا آنکه فقط در حد گفتار باقی مانده است. به منظور بررسی نمای باطنی یا به تعبیری کیفیت علمی آموزشی زنان بحث حول سه محور محتوا ، روش ها و اهداف و ثمرات علمی آموزشی زنان ادامه پیدا می کند. همچنین از آنجا که همواره

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دیدگاه ها و جهان بینی های مختلف به علم و آموزش، سبب ایجاد محتوا، روش ها و اهداف و ثمرات متفاوت برای علم آموزی شده است، لازم است تا ابتدا به بررسی این نگاه ها پرداخته شود. به طور کلی در این زمینه می توان به چهار نوع نگاه اشاره کرد.

الف) نگاه صرفا ابزار گرایانه و غیر متعالی به دانش: این نگاه اغلب در گذشته و در ملل غیر متمدن حاکم بوده است به گونه ای که علم به خودی خود تقریبا هیچ جایگاهی در میان مردم نداشته است و تنها **هدفی** که سبب علم آموزی و آموزش می شده، انتقال مهارت ها برای به انجام رساندن کار ها بوده است. همچنین **روش** این آموزش ها به صورت محدود و غالبا به شکل موروثی و خانوادگی بوده است. لذا در اینگونه جوامع، **محتوای** آموزشی مورد استفاده برای زنان با مردان کاملا متفاوت بوده است. این تفاوت ها از آنجا نشات می گرفته که ثمرات زنان و مردان در جامعه کاملا متفاوت بوده و با توجه به جنسیتشان مشخص می شده است. این آموزش ها عمدتا به گونه ای بوده که به دختران، معمولا مهارت های خانه داری، فرزند پروری و کار ها و مهارت های هنری آموخته می شده است نتیجه این نگاه ابزار گرایانه به علم و آموزش به طور کلی سبب می شده تا آن جوامع نسبت به علمی چون اخلاق، الهیات و فلسفه بی توجه باشند و از این رو دارای فرهنگی بسیار منحط و آسیب پذیر باشند و همچنین از آنجا که روش های آموزش، محدود و غالبا به شکل موروثی و خانوادگی و به دور از معیار های شایسته سالارانه بوده است موجبات انحطاطات صنعتی و فنی را نیز فراهم می آورده است. این نوع نگرش در حوزه زنان نیز موجب می شده؛ تا زنان این جوامع، علاوه بر پذیرش آسیب کلی ذکر شده یعنی انحطاط اخلاقی و فرهنگی که همه ی افراد را اعمم از زنان و مردان را هدف قرار می داده؛ هدف آسیب های اختصاصی زنان، من جمله عدم استقلال اقتصادی نیز قرار بگیرند.

ب) نگاه فلسفی و متعالی به دانش: در این نگاه، علم، به خودی خود و ذاتا ارزشمند است و سر آمد همه ی علوم فلسفه است. در نتیجه **هدف** علم آموزی، ذات ارزشمند خود علم بوده است. **روش** این علم آموزی، نسبت به نگاه ابزار گرایانه بسیار آکادمیک تر و شبیه تر به علم آموزی در عصر حاضر بوده است. محتوای علم آموزی در این نگاه بیشتر حول اخلاق فلسفه و الهیات بوده است. **محتوای** آموزشی مورد استفاده برای زنان در این جوامع بسیار متفاوت و کاملا تابع نظرات فلسفی راجع به زنان بوده است. مثلا « افلاطون با کمال صراحت مدعی است که زنان و مردان دارای استعداد های مشابهی هستند و زنان می توانند همان وظائفی را عهده دار شوند که مردان عهده دار می شوند از همان حقوقی بهرمنند گردند که مردان بهرمنند می گردند... و از این رو معتقد است همانطوری که به مردان تعلیمات جنگی داده می شود به زنان نیز باید تعلیمات جنگی داده شود» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۶۲: ۱۳۵۳) ولی در مقابل ارسطو، شاگرد افلاطون، معتقد است که « نوع

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

استعداد های زن و مرد متفاوت است» و لذا آموزش های یکسان برای زنان و مردان را بر نمی تابد. لذا در این نگاه دیدگاه مشخصی راجع به زنان وجود ندارد کما آنکه امروزه با نقد های بسیار به نظریه ی این دو فیلسوف مشخص شده که نظر هیچ یک از این دو نفر کامل و خالی از عیب نیست.

ج) نگاه هدف گرایانه به دانش به منظور ایجاد رفاه و حداکثرسازی سود مادی: این نگاه، نگاه حاکم بر جوامع مادی گرا است. در این نگاه، **هدف** علم، تولید ابزار و رسیدن به سود هر چه بیشتر است. **روش** علم آموزی در این نگاه اولاً فقط از راه تجربه استو ثانیاً شکل آن به صورت کاملاً آکادمیک و به صورت تخصصی سازی است به گونه ای که برای انواع موانع و مشکلات انسان ها، علمی جداگانه و تخصصی وجود دارد و در این شرایط تقریباً هیچ کس نمی تواند همزمان دارای علوم با موضوعات مختلف باشد... **محتوای** علم آموزی در این نگاه فقط و فقط مبانی و اصولی است که از راه تجربه به دست آمده است در این نگاه نه تنها الهیات فلسفه و اخلاق علم محسوب نمی شوند بلکه گاهی تا آنجا راه افراط را می پیمایند که ریاضیات را نیز علم نمی دانند! در این دیدگاه مطلقاً فرقی بین علم آموزی زنان و مردان وجود نداشته و این تشابه در اصل علم آموزی، محتوای علم و روش علم آموزی وجود دارد.

د) نگاه ابزارگرایانه و در عین حال متعالی به دانش: در این نگاه، علم به خودی خود و ذاتاً ارزشمند نیست و اگر عوامل دیگری کنار آن حضور نداشته باشند نه تنها راه گشا نیست بلکه عامل توقف انسان است. یکی از این عوامل که در قرآن کریم به آن اشاره شده است همراهی علم با عمل است به گونه ای که در آیه ۵ سوره جمعه عالمان بی عمل را مورد سرزنش قرار داده و می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد آن گاه آن را به کار نبستند، همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می کشد. چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی نماید.»

کاملاً مشخص است که در این دیدگاه هم، علم، امری ابزار گونه است اما تفاوت این دیدگاه با دیدگاه ابزار گرایانه به دانش، آن است که در این دیدگاه، هرچند علم ابزار است؛ اما به عنوان یکی از مهم ترین ابزار های انسانی برای رسیدن به کمال، بسیار مورد تقدیر و تکریم قرار گرفته است. **محتوای** علم در این نگاه اولاً شامل مطلق آگاهی است و و ثانیاً راه های دست یابی به این محتواهای علمی، هم عقل است و هم نقل که یکی حجت باطنی و دیگری حجت ظاهری است.

هدف از علم آموزی در این نگاه سه چیز است، خود شناسی، جهان شناسی و خداشناسی. هر چند این سه مورد به صورت زنجیر وار به هم متصل اند اما تفکیک آن ها در عالم نظری قابل تصور است. قرآن کریم صراحتاً انسان ها را به خود شناسی دعوت می کند و در آیه ۵۳ سوره فصلت می فرماید: «سُنِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ. به زودی نشانه‌های خود را در افقها و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟»

همچنین در دعوت انسان‌ها به جهان‌شناسی در آیه ۱۰۱ سوره یونس می‌فرماید: «قُلِ أَنْظَرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... / بگو: بنگرید که در آسمانها و زمین چیست؟»

در مورد خداشناسی باید اذعان داشت که هیچ یک از موجودات نمی‌توانند خدا را به طور کامل بشناسند زیرا همانگونه که مولانا می‌گوید حکایت بحر در کوزه است و هیچ گاه موجود محدود نمی‌تواند به جوانب نامحدود آگاه شود اما با این حال، انسان فطرتاً نیازمند این گونه شناخت است لذا می‌بایست در حد توان خویش دست به خداشناسی بزند همانگونه که مولانا در این باره با زبانی نغز و زیبا می‌گوید:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

روش دستیابی به علم در این نگاه، به دو گونه حضوری یا حصولی است. «علم حضوری معرفتی بدون واسطه است؛ در این نوع معرفت، واقعیت و وجود معلوم نزد درک کننده حاضر است ولی علم حصولی معرفتی با واسطه و صورت ذهنی است» (حسین زاده، ۱۳۹۰: ۳۴) به دلیل همین عدم وجود و وجود واسطه و صورت ذهنی است که در علم حضوری خطا و اشتباه راه ندارد ولی در علم حصولی امکان خطا و اشتباه وجود دارد. علم حصولی همانگونه که از نامش پیدا است می‌بایست توسط انسان آموخته شود و از آنجا که محتوای آن شامل مطلق آگاهی می‌شود به طرق و شیوه‌های مختلف امکان پذیر است؛ چه این روش‌ها دارای غالب‌های آکادمیک و رسمی باشند و چه دارای غالب‌های خانگی و آموزش مهارت‌ها باشند لذا در جوامعی با این نگاه هر دوی این غالب‌ها، مرسوم و موجود بوده است.

در این نگاه از آنجا که هدف از علم‌آموزی خودشناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی است و از طرفی زن و مرد هر دو انسان‌اند و جهان پیرامون و خدای خالقشان نیز واحد است، لذا هر دو در اصل علم‌آموزی برابری دارند ولی از طرفی از آنجا که جنسیت افراد نیز بخشی از خود فرد محسوب می‌شود لذا با وجود آنکه جنسیت اساس و شاکله‌ی وجودی انسان به شمار نمی‌آید ولی می‌بایست جنسیت را نیز در این راستا مد نظر قرار داد. بنابراین انسان‌ها، جدای از جنسیتشان، هم نیاز به یک سری علوم و مهارت‌های یکسان و مشابه دارند زیرا در سرشت انسانی با هم مشترک‌اند و هم نیاز به علوم و مهارت‌های متفاوت مبتنی بر جنسیتشان؛ زیرا هر چند جنسیت انسان‌ها، شاخصه اصلی و وجودی آن‌ها نیست اما به هر تقدیر واقعیتی است غیر قابل انکار که نیازها و آثار خود را بر روی فرد دارد. پس به طور کلی در این نگاه، زن و مرد در اصل علم‌آموزی کاملاً باهم برابری دارند ولی در محتوا و روش علم‌آموزی گاهی با هم یکسان و گاهی باهم متفاوت‌اند.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پس از بررسی چهار نگاه مختلف به علم، زمان آن است که به طور کاربردی باید ها و نبایدهای نظام علمی زنان را مشخص کرده و به توصیف و توجیه آن بپردازیم. زیرا به نظر می رسد هر چند پس از انقلاب اسلامی به زمینه ای کمی و ظاهری رشد علمی زنان توجه شده - گرچه این توجه باید ادامه داشته باشد- ولی از آنجا که به جنبه های کیفی اشاره نشده؛ تلاش های انجام شده در راه رشد علمی زنان آنچنان که بایسته و شایسته است مثمر ثمر نبوده است و گاه حتی این تلاش ها کاملا وارانته جواب داده است لذا به نظر می رسد برای رفع این مسائل می بایست به رشد علمی زنان در ۳ نکته توجه خاص مبذول داشت.

الف) اهداف و ثمرات علم آموزی: همانگونه که گفته شد اهداف نظام های علمی با توجه به نگاه های آن ها به جهان هستی متفاوت است. امروزه آموزش عالی در زمینه ی اهداف آموزشی، راه مادی گرایان را برگزیده و در این نظام، هیچ گونه تفاوتی بین علوم و مهارت هایی که به زنان و مردان آموزش داده می شود، مشاهده نمی گردد زیرا طبق نظر مادی گرایان، هدف رفاه و تولید بیشتر است و انسان ها همگی کارگران این کارخانه عظیم هستند و می بایست برای چرخاندن این کارخانه عظیم نیروهای زبده و با مهارت های یکسان تولید کرد لذا در این شرایط مهارت های متفاوت نه تنها راه گشا نیست بلکه به صورت مانع عمل می کند. در این راه نیز چنان فرهنگ سازی توسط غرب و حتی نهاد های داخلی صورت گرفته است که ابراز این موضوع، ایجاد چنان نفرتی در دل ها می کند که تقریبا اکثر گویندگان و نویسندگان حتی در مجامع علمی حاضر به صحبت در این رابطه نیستند. و همین امر موجب می شود که گاه مسولین و افراد جامعه فراموش کنند که با پاک کردن صورت مسئله، آن هم مسئله ای بدیهی، چون جنسیت، مسئله حل نخواهد شد. زن و مرد علاوه بر اهداف مشترک دنیوی و انسانی شان اهداف متفاوت و مبتنی بر جنسیتشان نیز دارند که در صورت در نظر نگرفتن این تفاوت ها شاهد به ثمر نشتن این اهداف خواهیم بود.

ب) محتوای علم آموزی: محتوای علم آموزی باید بر مبنای اهداف علم آموزی استوار گردد ولی از آن جا که در نظام آموزش تخصصی ما هیچگاه به طور جامع و دقیق به این اهداف پرداخته نشده، لذا محتواها نیز به صورت یکسان بنا شده است به گونه ای که در نظام آموزشی ما، همه ی مواد درسی برای دختران و پسران یکسان بوده و هیچ گونه تفاوتی در این بین وجود ندارد. نادیده گرفتن جنسیت در محتوای آموزش افراد، نتیجه ای جز آنچه امروز همه ی ما شاهد آن هستیم به دنبال نخواهد داشت؛ عدم توانایی زنان و مردان در تشکیل و سالم نگه داشتن بنیاد خانواده، بروز طلاق های متعدد به دلیل عدم مهارت افراد برای رویا با جنس مخالف، ایجاد آرزو های مشترک بین زنان و مردان در دستیابی تحصیلات فقط به منظور کسب مشاغل و بسیاری از بحران های دیگر، که امروزه گریبان بشریت را گرفته است. لذا به نظر می رسد در تدوین محتوای برنامه ها ی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آموزشی علاوه بر در نظر گرفتن علوم و مهارت های یکسان و مشابه بین زنان و مردان، می بایست به علوم و مهارت های متفاوت آن ها نیز توجه شود و برای گنجاندن هر دوی این مهارت ها و علوم، برنامه ریزی شود.

ج) روش علم آموزی: روش های علم آموزی می بایست به فراخور اهداف و محتوا های آموزشی بر اساس جنسیت افراد مشخص شوند. گرچه روش های آموزشی نیز گاهی ممکن است یکسان یا متفاوت باشد. در این زمینه به نظر می رسد می بایست سایر اهداف و شرایط افراد برحسب جنسیتشان سنجیده شود و روش های آموزشی به گونه ای سیاست گذاری شوند؛ که دوره های آموزشی دارای حالت انعطافی باشند؛ تا افراد با توجه به شرایط و ویژگی هایشان بتوانند خود را با یکی از حالت های نظام آموزشی وفق دهند. برای مثال راهکار های زیر در روش های علم آموزی مثمر ثمر به نظر می رسد.

۱- برای دانشجویان مرد مجرد به دلیل وجود خدمت سربازی و اهمیت دستیابی به شغل برای آن ها، بهتر است دوره های تخصصی تا حد ممکن کوتاه و فشرده باشد به گونه ای که حتی ترم های تابستانی نیز به آن ها تعلق بگیرد. یا از ارائه درس های زائد و بدون کاربرد خود داری شود تا دوره طولانی و کم بازده ۴ ساله لیسانس به دوره های سه ساله یا کمتر کاهش یابد. و برای دانشجویان مرد متأهل و شاغل اجازه داده شود که بتوانند با گرفتن واحد های درسی کمتر و طولانی تر شدن و سبک تر شدن دوره تحصیلی از خانواده و شغل خویش غافل نشوند

۲- به دانشجویان زن اجازه داده شود که در صورت مجرد و تمایل، برای آن ها نیز چون مردان دانشجویان، دوره های تخصصی تا حد ممکن کوتاه و فشرده باشد به گونه ای که حتی ترم های تابستانی نیز به آن ها تعلق بگیرد. یا از ارائه درس های زائد و بدون کاربرد خود داری شود و در مقابل به زنان دانشجویان متأهل و دارای فرزند اجازه داده شود که بتوانند با گرفتن واحد های درسی کمتر و طولانی تر شدن و سبک تر دوره تحصیلی از خانواده خویش غافل نشوند.

منابع :

- ۱- المحاص، محمد کامل حسن ۱۹۹۲ م، المراه فی القرآن کریم، المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام
- ۲- پلنگی، محبوبه، ۱۳۸۰، مجله پیام زن، شماره ۱۱۳
- ۳- حسین زاده، محمد، ۱۳۹۰، درآمدی بر معرفت شناسی و مبانی معرفت دینی.
- ۴- حکیمی، محمد و علی و محمد رضا، ۱۳۸۶، الحیاء، ج ۱، دلیل ما.
- ۵- خامنه ای، آیت الله العظمی سید علی، ۷۶/۴/۳۰، دیدار با نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی.
- ۶- دامغانیان و نوروززاده ثانی، حسین و امین، ۱۳۸۹، بررسی مفهوم سقف شیشه ای در سازمان ها.

چهارمین کنفرانس الگویی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کیوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۷- غیاثی، م، ۱۳۷۹، بررسی روند وضعیت آموزش زنان در آموزش عالی ایران، تهران: موسسه پژوهش در برنامه ریزی آموزش عالی
- ۸- لشکری، محمد، ۱۳۸۵، زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال.
- ۹- فرهنگ نیوز
- ۱۰- محلاتی، ذبیح الله ۱۲۷۱-۱۳۶۴ ریاحین الشریعه، ج ۳، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
- ۱۱- مرکز آمار ایران.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۳)، نظام حقوق زن در اسلام: صدرا.
- ۱۳- موسوی خمینی، آیت الله العظمی روح الله، صحیفه نور، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).